نقش علماي اسلام در تحكيم مباني و ارزشهاي تقريب

نقش علماي اسلام در تحكيم مباني و ارزشهاي تقريب

مولوي عبدا عبدالرزاقي

مدير حوزه علميه اهل سنت

چكيده :

نوشتار حاضر در صدد معرفي نقش علماي اسلام در تحكيم مباني و ارزشهاي تقريب مي باشد .

نقش اصلي در ايجاد وحدت منطقي پايدار بر عهدهي علما است و شايسته است آنان با رعايت اصول زير در ايجاد چنين وحدتي تلاش نمايند :

1 -توجه به خداوند و تلاش براي كسب رضايت او

2-رعايت تقوا به عنوان شرط اصلي وحدت در جهت حفظ مصالح كلي دين اسلام به دور از لحاظ نمودن آن چه كه به مصالح دين خدشه وارد مي سازد .

3- قرار دادن قرآن و سنت رسول خدا (صلي ا عليه و اله و سلم) به عنوان محور اصلي وحدت و اعلام برادري با هر كسي كه خدا و رسول(صلي ا عليه و اله و سلم) و قرآن و معاد را مي پذيرد .

4-ايجاد شوراي عالي فقهاي جهان اسلام و معرفي آن به مسلمانان دنيا به عنوان مآخذ فتاواي ديني اسلام جهت جلوگيري از ايجاد تفرقه توسط ساده لوحاني كه به نام دين موجبات تفرقه بين صفوف مسلمين را

فراهم مي سازند.

5-آگاه سازي مردم و دعوت آنان به دوستي و برادري

6-آگاهي علما از توطئه دشمنان اسلام در ايجاد تفرقه بين صفوف مسلمين

چالش هاي فراروي وحدت اسلامي

- عامل خارجي :

- منافع شخصي برخي زعما و حكام

- تكفير

- ترديد در نيت شركت كنندگان در گفت و گو :

- جنجال و حمله عليه مقدسات و بي احترامي به يكديگر

نتيجه گيري

نقش علماي اسلام در تحكيم مباني و ارزشهاي تقريب

اصولا عامل وحدت و يا تفرقه ابتدا خود علماي دين هستند.

علما نمايندگان دين در فرقه هاي اسلامي محسوب مي شوند .

نخستين گام در ايجاد وحدت منطقي وسعت يافتن ديدگاه متفكران و شخصيت هاي بزرگ علمي جهان اسلام است.

براي ايجاد چنين وسعت ديدگاه و سعه صدري لازم است علماي دين مساعي خود را در امور زير به كار گيرند:

1-توجه به خداوند و تلاش براي كسب رضايت او

اگر علماي دين تمام مساعي خود را در جهت رضايت الهي قرار دهند و تمام اعمالشان نيز براي خداوند متعال باشد، و همواره در هر امري خداوند و فرامين او را در نظر داشته باشند عميق ترين ابزار براي ايجاد وحدت پايدار بين مسلمين حاصل خواهد شد،

زيرا هرگز و در هيچ شرايطي خداوند دشمني و كينه توزي دو برادر ديني را نخواهد پذيرفت .

2-تقوا و دوري از هوا و هوس

قرآن كريم قبل از دعوت مردم به وحدت ابتدا آنان را به تقوا دعوت مي كند :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ »([1])

مهم ترين عامل ايجاد اختلافات نامعقول عدم تقواي الهي است. شهرت طلبي، خود نمايي و پيروي از هواهاي نفساني نشات گرفته از عدم تقواي الهي است .

آن چه شايسته است علماي دين مد نظر قرار دهند حفظ كيان اسلام است. حفظ دين اسلام از حفظ آن چه كه به آن مذهب گفته مي شود مهم تر است، زيرا اگر اسلامي نباشد مذهبي در آن معنا نخواهد داشت.

داشتن تقوا و حساسيت در حفظ اساس دين مي تواند از مهم ترين عوامل ايجاد وحدت معقول باشد .

3-التزام عملي به فرامين وحدت آفرين قرآن كريم

قرآن كريم اساس كليه قوانين فقهي، حقوقي، اخلاقي و تمام شئونات زندگي بين شيعيان و اهل تسنن است آيات متعددي از قرآن مسلمانان را از تفرقه و دوري از يكديگر باز مي دارد كه معروفترين آنها آيه «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ» ([2]) است.

كه بعد از دعوت مردم به تقوا بلا فاصله آنان را به وحدت تشويق مي نمايد .

علامه طباطبايي در تفسير الميزان ، حبل ا را كتاب خدا و سنت رسول خدا (صل ا عليه و اله و سلم) ميداند([3])

نويسنده تفسير نمونه نيز حبل ا را هر آن چيزي مي داند كه وسيله اي براي ارتباط با ذات خداست از ميان علماي اهل سنت، ابن عربي حبل ا را دين خدا و كتاب خدا مي داند. ([4])

وي مراد از اختلاف در آيه 102سوره آل عمران را دوري از فتنه، تعصب و تشتت جماعت دانسته و مي گويد قرآن از آنها نهي نموده است.

جلال الدين سيوطي نيز در«درّ المنثور»مراد از حبل ا را قرآن دانسته است. ([5])

بقيه علما و مفسرين شيعه و اهل سنت نيز نظراتي مشابه دارند. علماي شيعه و سني محور وحدت را اسلام و قرآن مي دانند ، از اين رو قرار دادن تمام مساعي در جهت متن كلي دين و قرآن مي تواند از عوامل موثر در ايجاد جامعه جهاني اسلام گردد.

اختلاف نظر در امور جزئي كه امري طبيعي است نبايد باعث اختلاف و تفرقه و تشتت ميان مسلمين گردد و تمام مسلمانان بايد با عنايت به قرآن و رسالت پيامبر عظيم الشان اسلام برادر و ياور و خير خواه هم باشند .

4-آگاه سازي مردم و دعوت آنان به دوستي و برادري

مردم به سخنان علماي مذاهب خود گوش داده و به عملكرد آنها توجه مي كنند و عمدتاً برداشت آنان از دين و نيزمذهب خود ناشي از مطالعات عميق و همه جانبه نيست بلكه چگونگي عملكرد روحانيون خود را الگو قرار مي دهند.

علماي مذاهب با دعوي گفتاري و رفتاري خود مي توانند زمينه هاي برادري و اتحاد را بين مسلمين به وجود آورند و اگر علما به مردم تفهيم كنند كه اعتقادات مذهب آنان مانعي براي دوست داشتن ساير مسلمانان نيست و هر مسلماني ضمن داشتن اعتقادات مذهب خود بايستي مسلمانان ساير فرقه ها ي اسلامي را برادر خويش دانسته و از كمك و مهرباني و خير خواهي به آنها كوتاهي نكند و خود علما اين موضوع را در عمل پياده نمايند، دست يابي به اتحاد پايدار دور از انتظار نخواهد بود .

5-آگاهي علما از توطئه دشمنان اسلام در ايجاد تفرقه بين مسلمين

در اين راستا شايسته است علماي بزرگ فرقه هاي مختلف جهان اسلام گرد هم آمده و شوراي علما و فقهاي

جهان اسلام را تشكيل دهند و با معرفي اين شورا به مردم مسلمان جهان به عنوان حافظ شريعت اسلام، جلوي اختلاف اندازي ساده انديشان غافل و يا مغرضان از خدا بي خبر را بگيرند .

چالش هاي فراروي تقريب مذاهب اسلامي

اين چالش ها برخي از سوي دشمنان و برخي نيز از درون امت ايجاد شده است كه مهم ترين آنها عبارت است از :

1-عامل خارجي :

كاملاً روشن است كه دشمنان اين امت، شرايطي را ايجاد مي كنند كه به پراكندگي و تفرقه امت منجر شود و در برابر هر آنچه به وحدت آن بينجامد ، مي ايستند.

2-منافع شخصي برخي زعما وحكام

اين مسئله اي است كه ما در دوران هاي گذشته و امروز نيز شاهد آن هستيم، به گونه اي كه برخي ها ، از نفوذ خود براي تحريک عموم مردم و به ويژه برخي وابستگان به اهل علم در راستاي درگيري هاي فرقه اي و
طايفه اي، سوء استفاده مي كنند .

3-تكفير

تكفير از جمله مهم ترين موانع در برابر وحدت اسلامي است و به رغم اين كه اسلام ، حد و مرز ميان كفر و ايمان را با روشني تمام مشخص ساخته است ، چنين حالت شگفتي با قدرت تمام مطرح شده است .
«ترمذي» از رسول خدا (صل ا عليه و اله و سلم)روايت كرده است :«هركس شهادت «لا اله الا ا و محمد رسول ا »
گويد ،خداوند آتش دوزخ را براي وي حرام مي سازد»
و از امام صادق(عليه السلام)شنيده شده كه فرمود: « اسلام شهادت«لا اله الا ا و تصديق پيامبري خداست و با آن از ريختن خون ها پيشگيري شده و نكاح ها و ارث ها، جاري شده است و بر ظاهر آن جماعت مردم شكل گرفته است »([6])

4- ترديد در نيت شركت كنندگان در گفت و گو :

ترديد در نيت شركت كنندگان در گفت و گو به ايجاد فضاي آرام و مطلوب ياري نميرساند و به نوعي گريز يا تعلل و بهانه گيري و ممانعت از تحقق نتايج مطلوب مي انجامد.

ولي كار و تلاش جدي و توجه به آموزه هاي هدايت گرانه و فراخوان به خوش گماني نسبت به برادر مسلمان، مانع از آن مي شود كه اين عامل نقش خود را در منع «وحدت اسلامي»، به ويژه اگر در سطح علما باشد ، ايفا نمايد.

5- جنجال و حمله عليه مقدسات و بي احترامي به يكديگر

متون اسلامي زيادي بر منع اين موارد ، تاكيد دارند : آيه كريمه :

!$yJ¯RÎ) Nä3ÝàÏãr& >oyÏmºuqÎ/ (br& (#qãBqà)s? ¬! 4Óo_÷WtB 3yºtèùur ¢OèO (#rã¤6xÿtGs? ö@è% «

4 $tB /ä3Î6Ïm$|ÁÎ/ `ÏiB >p¨ZÅ_ » ([7])

(بگو :تنها شما را به سخن يگانه اي اندرز مي دهم و آن اينكه :دو تن دو تن و تک تک براي خداوند قيام كنيد ،سپس بي انديشيد در همنشين شما ديوانگي نيست ...)

منع كننده گفت و گو در فضاي انفعالي و ساختگي است و آيه شريفه

$£Jtã tbqè=yJ÷ès?» ([8]) ã@t«óiçR w cqè=t«óiè? !$£Jtã $oYøBtô_r& wur «@è%

(بگو نه آنچه ما گناه كرده ايم از شما مي پرسند و نه آنچه شما مي كنيد، از ما پرسيده مي شود)

مانع از درگير شدن با گذشته مي شود و احترام به ديگري را تحميل مي كند.

اين امر در آيه اي كه از دشنام گفتن حتي به خدايان مشركان نهي مي كند نيز كاملا مشهود و روشن است .

از موانع ديگري كه بر سر راه تقريب وجود دارد عبارت است از :

1-در نظر گرفتن راي و نظر نا مانوس در يک مذهب، به عنوان نشان و باور اصلي آن مذهب ،كه البته امري غير منطقي است: براي مثال، يكي از محدثين سخني را مي گويد محدثان ديگر همان مذهب در طول تاريخ آن را رد كرده اند ولي مخالفانشان اصرار دارند كه همين سخن را بر كل مذهب تعميم و به آن نسبت دهند .

2-اطلاع يافتن از ديدگاههاي مذهب از زبان دشمنان آن مذهب.كه اين نيز به دور از منطق است، زيرا دشمنان گاه مي كوشند براي محق جلوه دادن مذهب خود اوهامي را به مذهب مورد نظر نسبت دهند .

3-ورود نا اهلان به روند گفت و گو .

قرآن و منطق اين عمل را رد مي كند: خداوند متعال در خطاب به اهل كتاب كه ادعايي دارند كه نسبت به آن بي اطلاع هستند، مي فرمايند :

« LäêRr'¯»yd ÏäIwàs¯»yd óOçFôfyf»ym $yJÏù Nä3s9 ¾ÏmÎ/ ÖNù=Ïæ zNÎ=sù cq`!$ysè? $yJÏù }§øs9

Nä3s9 ¾ÏmÎ/ ÖNù=Ïæ»÷ ([9])

(هان! شما همان كساني هستيد كه در آنچه بدان دانشي داشتيد، چون و چرا كرديد،

ديگر چرا در آن چه بدان دانشي نداريد چون و چرا مي كنيد ؟)

4-پيروي از شيوه هاي پيچ در پيچ براي چيره شدن بر طرف ديگر .

كاري كه گفت و گو را به بازي بي نتيجه تبديل مي كند.

نتيجه

وجود اختلافات در بسياري از موارد معقول و طبيعي است و نبايد صرف وجود اختلاف نظر در فروع باعث تفرقه در صفوف مسلمين گردد و مسلمانان جهان بخصوص علماي اسلام بايد با محور قرار دادن اصول و متن اصلي دين و قرآن تمام فرقه ها ي اسلامي را مسلمان دانسته و يكديگر را برادر هم بدانند و وظايف برادري را در مورد هم به جا آورند.

بديهي است كه وظايف برادران ، اختلاف و دشمني و كينه توزي نيست بلكه هم دلي و مهرباني و غمخوار يكديگر بودن است .

---

[1] . آل عمران /102.

[2] . آل عمران /103.

[3] . موسوي 1374ش.ج3.ص573.

[4] . ابن عربي ،415ق،ج1،ص291.

[5] . سيوطي ،1404ق،ج2،ص60

[6] . كليني 1388ق،ج2،ص25.

[7] . سبا /46.

[8] . سبا /25.

[9] . آل عمران /66.